

یادداشت

دولت شایسته‌سالار در خانه شیשה‌ای



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگرکشاورزی

بعد از سال‌ها و برآمدن آقای پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، بحث و دغدغه برای انتخاب بهترین‌های ممکن در دستگاه‌های اجرائی به درون جامعه آمده و بخشی از فضای شبکه‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد چنین فضایی، فارغ از آنچه در نهایت رخ خواهد داد، به خودی خود به افزایش روحیه مشارکت‌پذیری جامعه در سرنوشت خویش کمک خواهد کرد و جمع بزرگی را از کشورم که از روزنه نگاه حرفه‌ای به روند به‌گزینی کارگزاران شایسته و پایمند به منافع ملی می‌نگرم، چهره‌های کم‌شماری در برابر دیدگانم قرار می‌گیرند. چنین اندکی چه‌سبا کار را برای رئیس‌جمهور منتخب که بنای تغییر و امید اصلاح امور را دارد، دشوار می‌کند. در چنین حال و هوایی بی‌اختیار و در یک تمثیل، چارچوب کنترل ارتفاع کامیون‌ها در ایستگاه‌های پلیس راهور در مبادی جاده‌ها در نظرم می‌آید. چارچوب‌هایی که به کامیون‌های بلندتر از خود اجازه ادامه سفر را نمی‌دهد مبادا در حین عبور از تونل‌های پیش‌رو با مانع روبه‌رو شوند. بنابراین در چنین جاده‌هایی قاعدتا نباید انتظار کامیون‌هایی با ارتفاع بیش از آن چارچوب را هم داشت. به نظر می‌رسد روش‌های غربال برای مدیریت‌ها و در طی سالیان متمادی گذشته موجب آن بوده که چهره‌های بلندتر از قاب‌های متصلب‌گزینشی قادر به بروز ظرفیت‌های بالقوه خود نبوده‌اند. بنابراین آنان که از این قاب‌ها عبور نکرده‌اند، یا تن به مهاجرت یا سر به تمکین داده یا که در عزلت فرسده‌اند. ضمن ذکر چنین تنگنایی برای آقای پزشکیان ودر مجال اندک کنونی برای به‌گزینی کارگزارنش اما نباید در این شرایط انتظار شمار کافی قامت‌های ستړگ در عرصه‌های مختلف مدیریتی را داشت؛ گرچه کام در وادی نومی‌دی نیز جایز نیست.
بالبین حال، آقای پزشکیان و تمامی آنان که در برابر تونل‌های پیش‌رو انتظار عبور قامتانی ستړگ را دارند، باید در کام نخست کارگزاران منتخب خود را از این پس در خانه شیشه قدرت سکونت دهند. خانه‌ای که از هر سو با پایش دیده‌بانان از قبیل رسانه‌ها و به‌طور کلی جامعه‌ای که دل در گرو بهروزی این سرزمین دارند، قرار دارد. در چنین خانه‌ای هیچ صاحب منصب وگرس‌ی‌ای با اعتبار حمایت‌های پشت پرده نمی‌تواند حتی یک فنجان چای دیش بنوشد؛ چراکه بخارات ناشی از آن اگر لحظه‌ای بر شیشه‌ها کدورت کند، دست قدرتمند افکار عمومی آن را خواهد زدود. با چنین روزنه امیدوارکننده‌ای باید به آقای پزشکیان اطمینان داد به‌زودی در جاده پیش‌روی خود و جامعه رسانه‌ها بر بلندای تونل‌ها تا مرز منافع ملی افزوده و سرانجام پلیس آگاه راهور نیز ناگزیر قایی خواهد ساخت که درخور قبیل باشد. امیدوارم رئیس‌جمهور منتخب در اولین اقدام در این راستا، رسانه‌ای را که با بهره‌گیری از اعتبار دولتی منتشر می‌شود، وارد کند به‌جای رنگ‌آمیزی چناب از اقدامات کارگزاران، تنها انعکاس‌دهنده بخارات مه‌آلود فنجان‌های ریز و درشت جای دیش باشد.

دولت سایه یا دولت در سایه



حمیدرضا اکبرپور

انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری با همه بالا و پایین‌هایی که داشت، سرانجام با دقتن به دور دوم و در تاریخ ۱۵ تیرماه به سرانجام رسید. این دوره از انتخابات که مشخصه بارز آن مشارکت‌نکردن ۶۰ و ۵۰درصدی در دور اول و دوم بود، دارای ویژگی منحصربه‌فرد دیگری نیز بود و آن رقابتی‌ترین انتخابات ریاست‌جمهوری تاریخ جمهوری اسلامی بود. به نوعی که آقای پزشکیان با اختلاف کمتر از ۳ میلیون رای به‌عنوان منتخب ۴۹٫۸ درصد از شرکت‌کنندگان اینن دوره از انتخابات برگزیده شد. از مهم‌ترین واکنش‌های طیف بازنده انتخابات می‌توان به موضع‌گیری آقای جلیلی اشاره کرد که با پذیرفتن شکست در انتخابات، بار دیگر بر استمرار دولت سایه تأکید کرد. ایشان عنوان کردند که دولت سایه بر مبنای لغت‌نامه دینی است و اگر در جایی خطایی رخ دهد، باید به رفع آن کمک کرد و مسئولیتی که کمک کنیم تا خطاها و نقایص موجود رفع شود. این موضوع نگرانی‌هایی را در جامعه ایجاد کرده‌است که پیش‌زمینه ذهنی قوی هم دارد و آن این است که احتمالاً این دولت سایه به دنبال کارشکنی در کار دولت جدید است. به‌ویژه آنکه نبود رای قاطع و فاصله نزدیک این آراء بین دو نفر نیز می‌تواند بر این امر تأثیر مستقیم بگذارد و وجهات نسبی به آن دهد. به طور ساده‌ساز شده، دولت سایه به گروهی از رهبران یک طیف رقیب سیاسی در قوه قانون‌گذاری گفته می‌شود که پس از بازگشت حزب‌شان به قدرت، اعضای احتمالی کابینه را تشکیل می‌دهند. این ویژگی بیشتر در کشورهایی مانند انگلستان، استرالیا، مالزی و آفریقای جنوبی وجود دارد که برگرفته از سیستم حکومتی وست‌مینستر هستند. بنابراین دولت در سایه تحت‌رهبری رهبر حزب اپوزیسیون در مجلس، کابینه‌ای جایگزین کابینه دولت تشکیل می‌دهد و هرکدام از آنها به موازات وزارتخانه‌های دولت مستقر، مسئولیت حوزه‌ای را در اختیار دارند و از آنان به‌عنوان وزیر سایه یاد می‌شود. مهم‌ترین کارکرد دولت سایه، بررسی دقیق سیاست‌ها و اقدامات دولت مستقر و نقد و به چالش کشیدن این سیاست‌ها و اقدامات و ارائه سیاست‌های جایگزین است. بدون‌شک با وجود نقدهایی که در زمینه محمل قانونی یا سطح عملکرد دولت سایه در نظام سیاسی ایران وجود دارد، اما وجود آن به خودی خود می‌تواند موجب تضارب آراء، انعقاد گفت‌وگو در سطوح عالی، تصحیح رویکردها و بهبود کارایی شود. اگر دولت سایه آقای جلیلی بر این زمینه و با این ماهیت تشکیل شود، باید از آن استقبال کرد. به‌ویژه آنکه این اقدام می‌تواند موجب کاتالیزه‌شدن نظرات کارشناسی در زمینه سیاسی شود. همچنین زمینه‌ساز تقویت احزاب و جلوبگیری از رویکردهای مقطعی و منفرد شود. اما در مقابل دولت سایه، دولت در سایه قرار دارد. دولت در سایه در واقع برعکس دولت سایه به جایگاه اپوزیسیون قانع نیست. دولت در سایه خود را فراتر از دولت مستقر می‌داند و معتقد است باید از هر طریقی حتی فراقانونی به تثبیت سیاست‌های خود بپردازد. این روند می‌تواند به سطح تقابل با دولت مستقر منجر شود و به نوعی کار را به جایی برساند که دولت مستقر را با بی‌بست عملیاتی مواجه کند. دولت در استفاده از این رویکرد سعی می‌کند کارایی نداشتن دولت مستقر را نشان دهد و با مانور بر روی آن، در فرصت مناسب به دولت مستقر تبدیل شود. این امر البته بدون خاستگاه و پشتوانه در نظام سیاسی ایران نیست. زمینه‌های مختلفی در فضای سیاسی ایران وجود دارد که از جمله می‌توان به نهادهای انتصابی و انتخابی اشاره کرد که با دولت سایه قریب‌تر نزدیکی دارند. این قریابت فکری، پتانسیل عظیمی برای تبدیل دولت سایه به دولت در سایه است. بنابراین اگر دولت سایه آقای جلیلی با توجه به پتانسیلی که وجود دارد، به سمت دولت در سایه حرکت کند، این امر می‌تواند به تنش و بحران‌سازی عظیمی در فضای سیاسی ایران منجر شود. ماحصل آن نیز تشدید فشار بر مردمی است که هم‌اکنون نیز در وضعیت شکننده‌ای از لحاظ اقتصادی قرار دارند. البته بدون‌شک مدیریت این وضعیت می‌تواند تا حد زیادی این اصطکاک و سطح تنش دولت در سایه با دولت مستقر را کاهش دهد و دولت سایه آقای جلیلی را به همان وضعیت پیش‌فرض دولت سایه بودن قانع کند. با توجه به سابقه تاریخی این موضوع و بدبینی‌های واقع‌بینانه‌ای که وجود دارد، به اعتقاد افرای باید نگرانی‌های پیش‌آمده (کم‌اهمیت جلوه‌نداد، بنابراین باید صبر کرد و منتظر ماند تا دید که در بازی سه‌گانه دولت مستقر، دولت سایه و حاکمیت، نقش دولت سایه و حوزه عملکردش تا کجا گسترش‌یافته می‌شود.

♦ **دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه**



چشم‌انداز نمای شرقی تهران

جایگاه شهر و مدیریت شهری در ایران امروز

فرصت‌ها و تهدیدها



حسن رنجبر

وزیر امور راه‌های ترابری و راه‌آهن

لازم آن. جهانی اندیشیدن و محلی عمل‌کردن، خلاقیّت، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، ریسک‌پذیری، ساختار و نهادسازی متناسب با نیازهای آینده شهر، باور به بدنه مدیریتی و اداری و مدیریت مشارکتی، تلاش در جهت ارتقای بهره‌وری در تمامی سطوح. استقبال از تغییر و انعطاف‌پذیری سازمانی، توجه به آموزش مستمر، شهرسازان با ساختار جامعه‌آماری شهر زندگی می‌کنند. منظومه آماری شهر در اندیشه و عمل آنها نهادینه شده است؛ از نظر آنها آمار، اعدادی بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند بلکه منظومه‌ای درهم‌تنیده‌اند که مدیریت و سیاست‌گذار شهری بر مبنای آن تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. شهرسازان از تصمیمات سخت نه‌تنها نمی‌هراسند بلکه کارهای بزرگ انرژی ایشان را چند برابر می‌کند. مسئولیت خود را در بنانهادن و ایجاد زیرساخت‌های شهری متناسب با آینده و حال می‌دانند.

برای آنچه در یک شهر با چشم‌انداز بلندمدت مورد نیاز است، هرقدر سخت و بزرگ و توان‌فرسا باشد، به خود تردید راه نمی‌دهند. در شهر هوشمند آینده‌محور، مدیران شهری همواره باید بتوانند در وضعیت‌های گوناگون تصمیم‌های سخت بگیرند. تعریف ایشان از مدیریت بر شهر بسیار فراتر از دوران تصدی خویش است. در نگاه ایشان کار را کسی کرد که شروع کرد، کار درست را هم‌کان به ضرورت تمام می‌کنند. مدیران شهرساز یک دوره زمانی حداقل ۲۰ساله با چشم‌انداز ۵۰ ساله را در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان شهری ضرورتاً مدنظر قرار می‌دهند و ساختار سازمانی خود را چابک، منعطف، کارآمد، خلاق، با نگاه به آینده سامان می‌دهند. بر این اساس، شهردار شهرساز موتور محرکه پاسخ به سوالاتی است که تمامی دست‌اندرکاران مدیریت شهری در تمامی سطوح باید پاسخ‌گو باشند.

ا می‌اندیشد برای دو برابر شدن جمعیت ایران که سیاست راهبردی نظام و مدیران ارشد کشوری است و به جد آن را دنبال می‌کنند و اینکه حسب برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های تشویقی طی یک دوره نه‌چندان بلند چه اتفاق خواهد افتاد و چه باید کرد؟ این جمعیت را کجا و چگونه باید سامان و استقرار داد؟ آیا نوع نگاه سنتی به شهر می‌تواند جواب‌گوی نیاز فردا باشد؟

آیا به تهران ۲۵ میلیونی و مشهد، تبریز و اصفهان ۱۰میلیونی اندیشیده‌ایم؟ آیا اندیشیده‌ایم سرریز جمعیت کلان‌شهرها چه تأثیری بر شهرهای پیرامونی دارد و چه تراکمی را بر این شهرها تحمیل خواهد کرد؟ آیا اندیشیده‌ایم جمعیت ۱۵۰ میلیونی چه تعداد ماشین را وارد شهرها خواهد کرد؟ آیا می‌دانیم کلان‌شهرها چه وظیفه‌ای در قبال شهرهای پیرامونی دارند؟ بسیاری از معضلات شهرهای پیرامونی و کوچک ما نتیجه اشتباهات گذشته و حال و آینده کلان‌شهرهای ماست. صدها و هزاران سؤال دیگر که تمام ابعاد زندگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، چالش و دغدغه تمام وقت مدیران شهرساز است. موضوع قابل تذکر آن است که توجه به نیازمندی‌های حال حاضر شهر و خدمات‌دهی روزمره به شهروندان گرچه از مهم‌ترین اولویت‌های شهرسازان است، اما به‌هیچ‌وجه ایشان را از برنامه‌ریزی با نگاه به آینده بر اساس منظومه آماری واقعی و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز و آماده‌کردن شهر برای آینده بازنمی‌دard.

چالش‌ها و آسیب‌ها:

متأسفانه نگاه سنتی و غریبویا سبب شده بیشترین آسیب متوجه این نوع از مدیریت و نگاه به شهر باشد. قوانین فعلی مدیریت شهری ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون و ضرورت‌های غیرقابل انکار شهرهای ما را ندارد. این عدم تناسب و هماهنگی از مهم‌ترین چالش‌های این مدیران است. غلبه نگاه کوتاه‌مدت و روزمره از دیگر ویژگی‌های مدیریت سنتی و مدیران سنتی ایران ماست.

آنچه سبب شده حضور مدیریت شهری شهرساز در شهری‌های ما هر روز کم و کمتر شود، علاوه بر خلاهای قانونی، نبود زبان و درک مشترک میان این‌س طیف از مدیران و دستگاه‌های مختلف برنامه‌ریز با نهادهای نظارتی و بالادستی سنّتدای و… است که بر مبنای همان قوانین ناقص و نارسا و به‌روزنشده عمل می‌کنند؛ قوانینی که

گزارش

تهران و فرصت‌های اشتغال

استان تهران در شاخص استان‌های با کمترین نرخ بی‌کاری از رتبه ۱۳ در سال ۱۴۰۰ به رتبه سوم در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این جمله را سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران می‌گوید. البته قطعا داده‌های یادشده جای امیدواری دارند و می‌توان شادمان بود که اشتغال در ابرشهر تهران وضعیت مطلوبی را تجربه می‌کند؛ با این وجود جای این پرسش وجود دارد که مبنای محاسبه این اشتغال چگونه بوده است و چه مشاغلی در تهران توانسته‌اند این میزان رشد را تجربه کنند؟ همه می‌دانند که تهران دریای مشاغل کاذب است که شهروندان زیادی را از سراسر کشور برای فرار از بی‌کاری به سمت خود جذب می‌کند. این مشاغل متأسفانه درصد قابل قبولی به‌عنوان ارزش افزوده مشاغل مولد نشان نمی‌دهند و از سوی دیگر آسیب‌های فراوانی را نیز در حوزه اقتصاد اجتماعی به وجود می‌آورند. ترازنامه‌های اقتصادی که از وضعیت اشتغال منتشر می‌شود، ای‌اش اشکال مختلف اشتغال و ساعت‌های اشتغال مطبق با تعاریف و استانداردهای شغلی را نیز نشان می‌داد.

سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از ایجاد نزدیک به ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ و بهبود دویزبربری تغییرات شاخص اشتغال در استان تهران نسبت به کل کشور خبر داد. محمد آذرنیاه با اشاره به خدمات ارائه‌شده در دولت شهید رئیسی، اظهار کرد: بر اساس آمار طرح نیروی کار که از سوی مرکز آمار ایران اعلام می‌شود، شاخص نسبت اشتغال کشور در سال ۱۳۹۹ برابر ۳۷٫۳ درصد بوده که در سال ۱۴۰۲ به ۳۷٫۹ درصد افزایش یافته و بهبود ۰٫۶درصدی را نشان می‌دهد.

وی افزود: این شاخص در استان تهران از ۳۶٫۹ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده و بهبود ۱٫۱درصدی و تغییرات مثبت دو برابر میانگین کشور را نشان می‌دهد. همچنین تغییرات شاخص مشارکت اقتصادی استان تهران در سه سال گذشته نسبت به تغییرات این شاخص در کل کشور ۰٫۵ درصد بیشتر بوده؛ بنابراین استان تهران نسبت به کل کشور موفقیت بیشتری را در بازار کار تجربه کرده است.

سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران گفت: در دولت سیزدهم تمام شاخص‌های اشتغال و بی‌کاری مانند نرخ مشارکت، نرخ بی‌کاری، سهم جمعیت بی‌بی‌کار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بی‌کاران و نرخ بی‌کاری جمعیت فارغ‌التحصیلی آموزش عالی نسبت به ابتدای آغاز به کار دولت بهبود یافته است که امیدواریم در دولت چهاردهم نیز این روند بهبود استمرار یابد. آذرنیاه گفت: نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان از ۱۳٫۷ درصد در سال ۱۴۰۰ در دولت سیزدهم به کاهش ۱٫۹درصدی در سال ۱۴۰۲ به ۱۱٫۸ درصد رسیده است.

وی با اشاره به گزارش‌های آماری گفت: استان تهران در شاخص استان‌های با کمترین نرخ بی‌کاری از رتبه ۱۳ در سال ۱۴۰۰ به رتبه سوم در سال ۱۴۰۲ رسیده و در حال حاضر بازار کار استان تهران ظرفیت‌های بالایی برای جذب نیروی کار دارد و وضعیت بازار کار استان تهران از نظر نرخ بی‌کاری و ظرفیت‌های موجود در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات متفاوت از وضعیت سایر استان‌هاست.

سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران، وضعیت ایجاد فرصت‌های شغلی در دو سال گذشته را مثبت ارزیابی کرد و گفت: با همه مشکلات و محدودیت‌ها توانستیم بیش از ۱۳۲ هزار فرصت شغلی در سال ۱۴۰۱ ایجاد کنیم که بیشتر از پیش‌بینی اشتغال استان تهران در سال گذشته محقق شده است. آذرنیاه خاطرنشان کرد: در بودجه سال ۱۴۰۳ نیز بر اساس ظرفیت قانونی تبصره دورقمی در حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده که قرار است به بازار کار استان‌ها تزریق شود تا هم نیاز به تأمین سرمایه بنگاه‌های اقتصادی برطرف شود و هم اشتغال ایجادی و توسعه‌ای تداوم داشته باشد.

^[1] گزارش سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از ایجاد نزدیک به ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ و بهبود دویزبربری تغییرات شاخص اشتغال در استان تهران نسبت به کل کشور خبر داد

^[2] گزارش سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از ایجاد نزدیک به ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در استان تهران در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ و بهبود دویزبربری تغییرات شاخص اشتغال در استان تهران نسبت به کل کشور خبر داد